

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

روزهای پایانی ماه مبارک رمضان

آخرین روزهای ماه رمضان برخلاف روزهای آغازین که شادی و بهجت و سرور و طراوتی به انسان می‌بخشید؛ هاله‌ای از حزن و اندوه بر دل انسان می‌نشانند. بوی هجران این ماه عزیز و دوست‌داشتنی و سرشار از خیر و نور و برکت به مشام می‌رسد؛ ماهی با روزهای طلایی و شب‌هایی نورانی‌تر از روز؛ ماه سحرهای لطیف عارفانه و عاشقانه، ماه تلاوت قرآن، ماه قیام به صلاه، و قعود به مناجات. این ماه با همه‌ی زمینه‌های ارزشمندی که برای پرواز انسان به آسمان معنا فراهم کرده بود، رو به پایان گذاشته است. بساط این مهمانی و ضیافت درحال جمع شدن است و دلهره‌ی اینکه چگونه از این ماه دل بکنم و جدا شوم، از چند روز قبل از عید فطر به سراغ مهمان ضیافت‌الله می‌آید. این ماه علی‌رغم میل ما به پایان می‌رسد و تنها یک راه برای گریز از فراق وجود دارد؛ اینکه ما نیز همراه آن برویم و حقایق آن را، از توجّه به خدا، خویشتن را میهمان خدا دیدن و نشستن بر سفره‌ی ضیافت‌الله، ارتباط با کلام خدا و راز و نیاز و مناجات با خدا، امتداد بخشیم؛ تا گرچه ماه رمضان در عالم زمان تمام می‌شود، در عالم حقیقت استمرار پیدا کند و ما همچنان میهمان ضیافت‌الله بمانیم. این میهمان‌خانه‌ی بزرگ الهی را تا پایان عمر ترک نکنیم و همواره اهل شهر الله باشیم.

روزهای آخر ماه مبارک روزهای دغدغه و دلهره و اضطراب است. مؤمن نگران است که این ماه تمام شود و او توشه‌ای برنداشته باشد و به آنچه قرار بود از رهگذر ماه رمضان نائل شود، دست نیافته باشد. آیا روح عبودیت مطلق در وجود ما حاکم شد؟ آیا دست از خودبینی و خودرأیی و خودخواهی کشیدیم و عبد خدا شدیم؟ آیا اندیشه و سلیقه‌ی ما تسلیم خدا شد؟ آیا دل ما کعبه‌ی الهی، عرش‌الرحمان و

حرم الله شد؟ آیا تقوا با آن معانی بلندش بر وجود ما مستولی شد؟ آیا تقوای بدن پیدا کردیم که جز آنچه خدا می‌خواهد بر اندام ما جاری نشود؟ آیا تقوای نفس پیدا کردیم که خلقیات و روحیاتی که مورد پسند خدا نیست، از وجود ما رخت بر بندد؟ آیا تقوای دل پیدا کردیم که خانه‌ی دلمان تنها خانه‌ی خدا باشد و محبتی جز به خدا و توجه به غیر خدا نداشته باشیم؟

آیا روزه‌ی ما صیام بود که از مفطرات فقهی روزه پرهیز کرده باشیم؟ روزه آمده بود ما را صائم کند تا با صیام بر جنبه‌های طبیعی و جسمانی خود غالب شویم؛ به‌جای اینکه جسم و نفس عنان اختیار ما را به دست داشته باشند و ما را در پی خود بکشانند، ما بر آنها چیره شویم و کنترل خود را به دست بگیریم. روزه‌دار نگران است که آیا واقعاً این‌گونه شدم؟!

روزه‌دار صابر است و صبر مقاومت در مسیر جهاد است: **رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا!** ای پروردگار ما، بر ما شکیبایی ببار و گام‌های ما را استوار گردان. جهاد این ماه، جهاد اکبر و مبارزه‌ی با نفس بود. آیا روزه‌ی ما صبر بود که در برابر تمنیات نفسانی و وساوس شیطانی ایستادگی کنیم و صابرا نه در برابر هوای نفس به میدان مبارزه رویم و در عرصه‌ی جهاد اکبر به مقام صبر نائل شویم؟

روزه‌دار سائح است. آیا به مقام سائحین رسیدیم؟ آیا روزه‌ی ما سیاحت بود که به جهاد اعظم برویم و غیر خدا را از وجودمان ریشه‌کن کنیم؟ آیا با غلبه‌ی بر جسم و نفس به تقوای قلب نائل شدیم؟ دلمان بیدار شد؟ دیده‌ی دل ما به ملکوت عالم گشوده شد و توانستیم در ملکوت آسمان‌ها و زمین، سیر و سیاحت کنیم و از صالحون و صالحات باشیم؟

فراتر از این، آیا به‌راستی مهمان ضیافت الله بودیم؟ آیا در این ضیافت به دیدار میزبان و صاحبخانه و حقیقت لقاء نائل شدیم؟ آیا روزه‌ی ما روزه‌ی عاشقان بود که عشق الهی دل ما را از هرچه غیر اوست، باز دارد و تماشای جمال محبوب ما را سیر کند و هجران یار ما را از خواب و خور بیندازد؟ جای تأمل و اندیشه دارد.

^۱ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۰.

نگرانی‌ها، یکی پس از دیگری روزه‌دار را به التهاب می‌افکند؛ لذا روزها و شب‌های آخر ماه، لحن دعاها تغییر می‌کند؛ اگر چه روزه‌دار از شب اول ماه مبارک با خدای خود گفتگو می‌کرد: **أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَ لَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ**.^۲ خدایا به تو پناه می‌برم که ماه رمضان بر من بگذرد یا امشب به صبح منتهی شود و خطا و گناهی در نامه‌ی عمل من باقی بماند و فردای قیامت بخواهی مرا با آن مؤاخذه کنی. اما شب‌های دهه‌ی آخر، حال او دگرگون شده است و نگرانی‌ها جدی است؛ گویا می‌بیند نتوانست کاری کند؛ پس به محضر الهی عرضه می‌دارد: **اللَّهُمَّ اذِّعْنَا حَقًّا مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ اغْفِرْ لَنَا تَقْصِيرَنَا فِيهِ وَ تَسَلُّمَهُ مِنَّا مَقْبُولًا وَ لَا تُؤَاخِذْنَا بِاسْرَافِنَا عَلَيَّ أَنْفُسِنَا وَ اجْعَلْنَا مِنَ الْمَرْحُومِينَ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَحْرُومِينَ**؛^۳ خدایا آنچه از ماه رمضان بر ما گذشت و نتوانستیم حق آن را ادا کنیم، تو آن حق را از جانب ما ادا کن. خدایا کوتاهی‌ها و تقصیرها و جرائم ما را در این ایام و لیالی ببخش. خدایا اعمال ما قابل قبول نیست؛ خود می‌دانیم؛ ما خود چه هستیم که عملمان چه باشد؛ ولی خدایا همین اعمال ناقص و آلوده و شکسته و معیوب را خودت به عنوان یک عمل سالم، کریمانه پذیرا باش. ما را در قبال زیان و لطمه‌ای که به خویشتن وارد کردیم و این فرصت گوهرین تباہ کردیم، مورد مؤاخذه قرار نده. خدایا ما را از کسانی قرار ده که در این ماه مورد رحمت تو واقع شدند. از کسانی که محروم از این خوان عظیم کرم و فضل و رحمت و مغفرت عبور کردند، قرار نده.

دعای شب‌های دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان هر شب داغ انسان را تازه می‌کند و به یاد او می‌اندازد که فرصت رو به اتمام است. التهاب‌ها جدی است؛ چه کردیم؟ دستاورد ما از این موقعیت ممتاز و فوق‌العاده‌ای که انبیاء عظام در امت‌های گذشته، حسرت آن را می‌خوردند، چه بود؟ این ماه با عظمت،

^۲. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۶۳۲؛ محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال شب‌های دهه‌ی آخر ماه رمضان.

^۳. محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال شب‌های دهه‌ی آخر ماه رمضان.

عطای خاصّ خدای متعال برای امتّ پیامبر خاتم است و در اختیار اممّ قبلی نبود؛ به برکت وجود رسول الله به ما عنایت شد. در فرصتی که خدا برای این امتّ پیش آورد، به کجا رسیدیم؟

ساعات و روزهای آخر چنین اندیشه‌ای را به ذهن انسان راه می‌دهد و آنگاه که انسان به عملکرد خویش برمی‌گردد و درمی‌یابد این فرصت طلایی را چگونه باخت، غرق شرمندگی می‌شود؛ شرمندگی از جرائم و گناہانی که در این ماه به آنها مبتلا بود؛ شرمندگی از غفلت و بی‌توجهی، از کوتاهی و کم‌همتی در استفاده از فرصت‌های بی‌نظیر این ماه و از اینکه نتوانست آن‌گونه که شایسته‌ی این ماه است، رفتار کند و ادب بندگی را به‌جا آورد؛ شرمنده از معصیت‌ها و طاعت‌ها اعمال و عبادات خود را به هیچ‌وجه درخور حقّ بزرگ پروردگار خویش نمی‌داند؛ چه رسد به معصیت‌هایی که مرتکب شد. سرافکننده از اینکه هرچه به کرده‌ها و رفتارهای خود نگاه می‌کند، جز نقص و عیب و کوتاهی هیچ نمی‌بیند. می‌بیند نتوانست شاگرد خوبی برای مدرسه و دانشگاه ماه مبارک رمضان باشد و مضطرّ و درمانده دست نیاز به درگاه بی‌نیاز دراز می‌کند و از خدای جبار، بسیار جبران‌کننده و ترمیم‌کننده، یاری می‌جوید. از ما پیوسته خرابکاری و نقص و عیب است و از او پی‌درپی ترمیم و تکمیل و اصلاح؛ لذا با همین امید، درمانده و سرافکننده به خدای متعال رو می‌آورد. می‌بیند فرصت‌های عظیمی را از دست داد؛ ساعاتی که از جنس ساعات و اوقات دیگر نیست؛ ساعاتی که تنفّس در آن تسبیح و خواب آن عبادت است. با چنین حسرت عظیمی، مضطرّ و درمانده به‌سوی خدا می‌آید و می‌گوید: **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكْشِفُ السُّوءَ**^۴: کیست آن‌که درمانده را چون بخواندش پاسخ می‌دهد و رنج از او دور می‌کند؟ خدایا جز تو کسی را ندارم که دردم را درمان کند. معترف به کوتاهی‌ها و تقصیرهای خویش، عرض می‌کنیم: **لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ**^۵: ای آنکه جز تو معبودی نیست، پاک و منزّهی تو! به‌درستی که من از ستمکاران بوده‌ام. درخواستِ جبران کاستی‌ها و تقصیرها، به طور طبیعی به دنبال احساس شرمندگی ظهور می‌کند.

۴. سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۶۲.

۵. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۸۷.

در یکی از دعا‌های شب‌های دهه‌ی آخر دو خواسته با نگرانی از خدا طلب می‌شود؛ نخست طلب مغفرت و بخشش: **إِلَهِي وَاعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تَقْضِيَ أَيَّامَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لِيَالِيهِ وَ لَكَ قَبْلِي تَبَعَةً أَوْ ذَنْبٌ تُؤَاخِذُنِي بِهِ أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي**^۶: خدایا به وجه کریم تو و جلال عظیم تو پناه می‌برم که روزها و شب‌های ماه رمضان به پایان رسد و هنوز گناهی و پیامد خطایی که در قبال آن مرا مؤاخذه کنی، عملکرد نادرستی که پیامدهای تلخی در پی دارد و اراده کرده‌ای مرا برای آنها قصاص کنی، در نامه‌ی عملم باقی مانده باشد. پیغمبر اکرم در خطبه‌ی شعبانیه فرمودند: شقی کسی است که ماه رمضان بر او بگذرد و مغفرت الهی شامل حالش نشود.^۷ طلب مغفرت در تمام دعا‌های آخر ماه رمضان تکرار می‌شود. امام صادق در دعایی که دهه‌ی آخر هر شب خوانده می‌شود، می‌فرماید: **اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدْ انْقَضَتْ، وَ لِيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّعْتَ، وَ قَدْ صِرْتُ يَا إِلَهِي مِنْهُ إِلَى مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، وَ أَحْصَى لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ**: خدایا این روزهای ماه رمضان است که به پایان می‌رسد و شب‌هایش رخت برمی‌بندد؛ خدایا در این ماه به جایی رسیده‌ام که تو خود بهتر آگاهی؛ می‌دانی من چه کرده‌ام و عملکردم را بهتر از همه‌ی خلائق برمی‌شماری. تو بیش از همه خبر داری چگونه فرصت من طی شد و این روزها و شب‌های استثنایی را به چه نحو هزینه کردم. حضرت بعد از چند جمله طلب مغفرت می‌کنند.

خواسته‌ی دوم طلب رضایت است: **سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي، أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِذْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ فَارْزُدْ عَنِّي رِضًا، وَ إِنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ عَنِّي فَمِنْ الْآنَ فَارْضَ عَنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**^۸: ای آقای من، ای سرور من، ای بزرگ من، از تو درخواست می‌کنم ای خدایی که جز تو معبودی نیست؛ حال که چنین است که جز تو خدایی نیست؛ اگر در این ماه از من راضی شدی؛ پس رضایتت

^۶. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۳۶۴؛ محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال شب‌های دهه‌ی آخر ماه رمضان.

^۷. حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۱۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶.

^۸. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۳۶۴؛ محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال شب‌های دهه‌ی آخر ماه رمضان.

را از من افزون کن؛ و اگر از من راضی نشدی، پس هم‌کنون از من راضی و خشنود شو؛ ای
مهربان‌ترین مهربانان!

بدین ترتیب روزه‌دار در آخرین فرصت‌ها دو هدف را دنبال می‌کند؛ یکی مغفرت و دیگری رضوان؛ پاکی
از آلودگی‌ها و رسیدن به مقام رضا و رضوان الهی.

نکته‌ی لطیفی که از دعاهای ماه مبارک رمضان برداشت می‌شود این است که دو نوع طلب مغفرت
داریم. یک‌بار از گناهان و معاصی و خطاها مغفرت می‌خواهیم: **وَ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّتِي يَحْسِبُ عَلَيَّ الْخُلُقُ وَ
يُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقُ**^۹: خدایا گناهانی را بر من ببخش که آن گناهان، خُلق مرا تنگ و مرا بداخلاق می‌کند؛
و راه ارزاق معنوی و مادی تو را بر من می‌بندد. اما گاهی می‌گوییم: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي**^{۱۰}: خدایا خودم را
ببخش؛ نه فقط گناهانم را. وای بر من! خودم بزرگترین گناهم. **وَجُودَكَ ذَنْبٌ لَا يُقَاسُ بِهَا الذَّنْبُ**^{۱۱}: وجود
تو گناهی است که هیچ گناهی با آن قابل قیاس نیست. همین احساس بودن و احساس وجودی که
داری بزرگترین گناه است. گناهان عملی و رفتاری و اخلاقی و روحی تو در قبال این منیت و احساس
وجودی که در برابر خدا داری هیچ است. در ماه رمضان از خدا می‌خواهیم که ما را ببخشد؛ این
منیت و احساس بودن را از ما بگیرد و به مقام فنا نائل کند تا به نیستی خود پی ببریم. آیا به مغفرت
الهی دست یافته‌ایم، چه مغفرت از کرده‌ها و چه مغفرت از احساس وجود خویش؟ آیا به مقام رضا و
رضوان الهی رسیدیم؟ مبادا این ماه تمام شود و ما تهی‌دست از آن بیرون بیاییم.

دعاهای دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان هم بوی فراق می‌دهد، هم بیانگر تقصیر و ناتوانی در ایفای حقّ
این ماه است و یاری جستن از خدا که خدایا به دادم برس، فرصت‌ها را از دست دادم و ماه رمضانم
تباه شد! خدایا ما نتوانستیم حقّ این ماه را ادا کنیم، تو از جانب ما این کار را انجام بده و تقصیرهای
ما را ببخش؛ نه قصور، بلکه تقصیر! ما مقصریم. خداوند این فرصت طلایی را فراهم آورد؛ این همه

^۹. محدّث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال شب نیمه‌ی شعبان.

^{۱۰}. محدّث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال روزهای ماه رمضان.

^{۱۱}. فیض کاشانی، وافی، ج ۱، ص ۱۰۳؛ صدرالدین شیرازی، شرح اصول‌الکافی، ج ۱، ص ۳۸۹ (از اقوال اهل معرفت).

راهنمایی و ارشاد و زمینه‌ی توفیق و به بند کشیدن شیاطین و محدود کردن عرصه‌های خذلان...
آنگاه ما این‌گونه عمل کردیم؛ بی‌شک مقصریم! خدایا ما خود به تقصیرمان معترفیم؛ به خود ظلم
کردیم؛ ولی ما را برای آتش زدن چنین فرصت طلایی مؤاخذه نکن. خدایا ما را از کسانی قرار ده که
در این ماه مشمول رحمت تو شدند و از کسانی قرار نده که محروم و خسارت‌زده این ماه را ترک
می‌کنند.

محاسبه و ارزیابی دستاوردها

می‌دانید هرکس، هر فعالیت‌ی دارد، در پایان آن جمع‌بندی می‌کند که چه چیزی به دست آوردم و چه
کردم. کاسب‌ها، شب‌هنگام پیش از بستن مغازه، یک نگاه به دخل می‌کنند و یک نگاه به جنس‌های
مغازه که چه چیزی فروختیم و چقدر درآمد داشتیم؟ سود کردیم یا ضرر؟ کارمندهای بانک، وقتی
ساعت ارائه‌ی خدمات به مشتری تمام می‌شود، در بانک را قفل می‌کنند؛ ولی تا یکی دو ساعت بعد
هنوز مشغول کارند؛ حساب‌رسی می‌کنند و کم و زیاد حسابشان را بررسی می‌کنند. آیا تراز عملکرد
مالی یک روزه‌ی آنها می‌خواند؟ همه‌ی انسان‌ها در پایان زمان فعالیت، به محاسبه می‌نشینند و حاصل
کار خود را می‌سنجند.

منسوب به رسول الله است که فرمودند: **حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا**^{۱۲}؛ قبل از اینکه به محاسبه‌ی
کردار شما پردازند، خود بنشینید و حساب‌رسی کنید؛ ببینید چه کردید؛ این عمری که گذشت، این
سرمایه‌ی گران‌بهایی که صرف شد، چه ثمری بخشید؟ به کجا رسیدید؟ واقعاً این روزها زمان محاسبه
است. در این ماه مبارک چه کردیم؟ چه اهدافی در ماه مبارک مدّ نظر بود؛ و تا چه میزان به آنها
دست یافتیم؟ دستاوردهای ما چه بود؟ چقدر انسان جدیدی شدیم؟ تا چه حد آن‌گونه که مکتب

^{۱۲}. کلینی، کافی، ج ۱۵، ص ۳۴۳؛ حرّ عاملی، وسائل الشّیعة، ج ۱۶، ص ۹۵. این حدیث در منابع متأخّر گاه کوتاه‌تر روایت شده است:

حَاسِبُوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا؛ خوانساری، شرح غررالحکم، ج ۷، ص ۶۶.

رمضان می‌خواست، پرورده شدیم؟ **و زُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا**^{۱۳}! قبل از اینکه اعمالتان را بسنجند، خود آنها را بسنجید. معیار سنجش و میزان‌الاعمال امیرالمؤمنین است. شهید رمضان، فردای قیامت تراز عمل انسان‌ها قرار می‌گیرد و عملکرد همگان را با آن می‌سنجند. از چنین اعمالی در برابر چنان میزانی به خدا پناه می‌بریم! پیش از فرارسیدن آن، خود را با علی بسنجیم.

بر محاسبه‌ی نفس تأکید زیادی شده است. امام کاظم فرمودند: **لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبِ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ**^{۱۴}: کسی که در هر شبانه‌روز یکبار به محاسبه‌ی نفس خود نمی‌پردازد، از ما اهل بیت نیست؛ نام شیعه بر خود ننهد. کسی که در هر روز یکبار تأمل نمی‌کند که این روز را چطور صرف کردم؛ چه به دست آوردم؛ به کجا رسیدم؛ امروز چه حرف‌هایی زدم؟ چه نگاه‌هایی کردم؟ به چه چیزهایی گوش سپردم؟ چه لقمه‌هایی خوردم؟ چه جرعه‌هایی نوشیدم؟ چه کارهایی انجام دادم؟ چه چیزهایی نوشتیم؟ چه امضاهایی کردم؟ به کجاها قدم نهادم؟ چه اندیشه‌هایی در ذهنم پروراندیم؟ چه آرزوهایی در دلم کاشتم؟ فرمودند، بیهوده نام شیعه بر خود نگذارید؛ شیعه کارش حساب دارد؛ بی‌حساب کار نمی‌کند. خصوصاً در این فرصت گرانبهایی که یک ثانیه‌اش را به قیمت همه‌ی عالم نمی‌توان برگرداند. قرآن کریم فرمود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ**^{۱۵}؛ ای مؤمنان مراقب باشید. خود را تحت کنترل داشته باشد. بی‌توجه، هر چه پیش آمد، انجام ندهید. در زندگی بی‌مهابا عمل نکنید. هر حرفی بر زبانتان آمد، نگویید. هر لقمه‌ای پیش آمد، نخورید. **اتَّقُوا اللَّهَ!** این تازه تقوای عمل است. بالاتر از آن تقوای نفس، و از آن هم بالاتر تقوای قلب است. شاید **اتَّقُوا اللَّهَ!** به تقوای قلب توجه دارد؛ چون فرمود: **اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ**. امیرالمؤمنین فرمودند: **اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ**^{۱۶}: از معصیت‌های الهی در خلوت‌ها بسیار پروا کنید؛ گناه در خلوت خیلی خطرناک است؛ چون همان کسی که قرار است داوری

^{۱۳}. شریف رضی، نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۹۰، ص ۱۲۳؛ حرّ عاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۱۶، ص ۹۹.

^{۱۴}. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۵۳؛ حرّ عاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۱۶، ص ۹۵.

^{۱۵}. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۸.

^{۱۶}. شریف رضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۳۳۰، ص ۵۳۲؛ حرّ عاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۳۹.

کند و حکم صادر کند، خود قاضی در صحنه‌ی جرم حاضر است و می‌بیند. پس **اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ** با **اتَّقُوا اللَّهَ** متفاوت است. **اتَّقُوا اللَّهَ** بالاتر است؛ شاید به این معنا باشد که از غیرخدا بپرهیز؛ نگذار دلت به سوی غیرخدا پر بکشد؛ در دل غیرخدا را نخواه. **يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ؛** ای مؤمنان! مراقبه داشته باشید؛ حواستان از خودتان پرت نشود. گاه انسان حواسش پرت می‌شود؛ بعد از اینکه حرفی را زد، می‌گوید اصلاً نفهمیدم چه شد که این حرف از دهانم بیرون آمد؛ حواسش به خودش نیست. **اتَّقُوا اللَّهَ**، یعنی حواست به خودت باشد؛ ببین چه می‌گویی؛ چه می‌شنوی؛ چه می‌خوری؛ چه می‌پوشی؛ کجا می‌روی؛ چه می‌کنی؟ **يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَنْتَظِرَ نَفْسًا مَّا قَدَّمَتْ لِإِعْدٍ^{۱۷}؛** هر کس باید بنشیند و ببیند برای فردای قیامت چه فرستاده است؟ نگاه کند؛ دقت کند؛ ببیند برای فردای قیامتش چه کرده است؛ این همان محاسبه است. خداوند مجدداً فرمود: **وَ اتَّقُوا اللَّهَ؛** این تقوای دوم، غیر از اولی است. اولی تقوای عمل و مراقبه است؛ دومی تقوای در محاسبه است؛ یعنی عزیز دلم، حال که نشستنی محاسبه و بررسی کنی تا بدانی در طول عمر چه کردی، سر خودت کلاه نگذار! بیهوده خودت را توجیه و تبرئه نکن؛ وجدانت را فریب نده. در حساب‌رسی تقوا داشته باش و درست حساب کن.

ارزیابی در تحقق اهداف

یکی از روش‌های حساب‌رسی علمی، ارزیابی در تحقق اهداف است. هر برنامه‌ای که تدوین می‌شود، برای تحقق هدفی است. برای مثال در برنامه‌ی پنج ساله‌ی توسعه یا برنامه‌ی یک‌ساله در قالب بودجه-ی سالانه‌ی کشور اهدافی تعیین می‌شود. برنامه برای تحقق آن اهداف تدوین شده است. بعد از اجرای برنامه، ارزیابی می‌کنند که چند درصد از اهداف برنامه محقق شده است؛ به این ارزیابی تحقق اهداف می‌گویند. برنامه‌ی ماه مبارک رمضان هم اهدافی را دنبال می‌کند؛ در پایان ماه باید ارزیابی کنیم و ببینیم چقدر از آن اهداف در وجود ما محقق شد و به کجا رسیدیم. محاسبه در سلوک جایگاه مهمی دارد.

^{۱۷}. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۱۸.

هدف مقرر شده در ماه مبارک رمضان و هدف نزول قرآن در این ماه، هدف این همه ادعیه و مناجات‌های زیبا و عاشقانه و جانگداز، هدف این همه دستورالعمل‌های زنده‌کننده و حیات‌بخش و هدف روزه با تمام ابعاد عظیمش چه بود؟ قرار بود از رهگذر اینها چه اتفاقی در ما بیفتد. آیا به‌راستی آن اتفاق افتاد؟! آیا از رهگذر عبادت به مقام عبودیت و بندگی مطلق راه یافتیم؟! آیا تقوا در همه‌ی مراتب وجود ما، در ظاهر و باطن و سرّ و خفیّ و اخفیّ، در قلب و عقل ما مصداق پیدا کرد؟ آیا جسمم، فکرم، روحم، دلم، جانم همه تحت کنترل اراده‌ی ایمانی و عقلانی من درآمد؟

این دوره‌ی تمرینی بود برای رسیدن به روحیه‌ای که در همه‌ی عمر خود را مهمان ضیافت الله بدانم و ادب ضیافت را مراعات کنم و بهره ببرم؟ آیا رسیدم؟ ماه رمضان تمرین رفتارهای یک عاشق راستین بود تا از رهگذر اصل وراثت این رفتارها و خوی عاشقی را در جانم به ارث گذارد. در ماه رمضان مثل عاشق‌ها خواب به چشمم نمی‌آمد و به خورد و خوراک رغبت نداشتم؛ ادای عاشق‌ها را درآوردم تا کم‌کم عاشق واقعی شوم. آیا شدم و به عشق و محبت الهی راه یافتیم؟ ماه رمضان می‌خواست روحیه‌ی صبر و پایداری و ثبات قدم در مسیر عبودیت و بندگی حقّ متعال و در صراط مستقیم ولایت و در مسیر ارزش‌های بلند الهی و انسانی در من ایجاد کند. آیا این روح صبر و استقامت و پایداری و ثبات قدم و پایداری در ما ایجاد شد؟ ماه رمضان می‌خواست روحیه‌ی اخلاص را در ما حاکم کند تا فقط برای خدا کار کنیم و در مقام خودنمایی و جلب نظر دیگران نباشیم. حتی در کارمان دنبال کاسبی برای خود نباشیم، محض محبوب و معبودمان عمل کنیم و فقط خشنودی او هدف ما باشد. خدا می‌داند این حرف چقدر بلند است! به قول حافظ:

وصال و قرب چه باشد، رضای دوست طلب که حیف باشد از او غیر از این تمنّایی

حتّی از وصال و لقاء و قرب هم سخن مگو؛ نگو می‌خواهم به لقاء و وصال برسم! اخلاص یعنی هیچ چیز در عمل و عبادت و طاعت و مجاهدت و ریاضت و سیر و سلوکت نخواهی؛ نه فقط خودنمایی نکنی و به ریا و سمعه مبتلا نشوی. آیا به چنین مرتبه‌ای رسیدیم؟

ماه مبارک رمضان قرار بود روحیه‌ی مواسات در ما ایجاد کند تا درد محرومان را بچشیم و بفهمیم گرسنه چه می‌کشد! تشنه و برهنه و محروم چه می‌کشد. با همه‌ی وجود درد آنها را لمس کنیم و درصدد درمان برآییم. آنها را شریک داشته‌های خود کنیم و شریک محرومیت‌های آنها شویم. آیا به این مواسات رسیدیم؟ ماه رمضان می‌خواست روحیه‌ی شکر را در ما ایجاد کند و نعمت‌های بسیار عظیمی را که خداوند در دسترس ما گذارده یادآور شود. نعمت‌هایی که چون بی‌منت و رایگان و به‌سهولت در دسترس ماست، اهمیت آنها را احساس نمی‌کنیم. همین آب و نانی که به‌سادگی در سفره‌ی ماست، نمی‌فهمیم چقدر ارزش دارد؛ اصلاً بهایی برای آن قائل نیستیم و آن را نعمت به‌شمار نمی‌آوریم؛ و لذا ناسپاسیم و دائم نق می‌زنیم و کسل و افسرده‌ایم. روزه می‌خواست روحیه‌ی شکر و سپاس در ما ایجاد کند؛ روحیه‌ی دیدن نعمت‌ها و شادمان بودن به عطایای خدا و شاکر بودن در قبال مواهب الهی. آیا به این احساس شادی و شکر رسیدیم؟!

ماه رمضان آمده بود تا قدرت ترک عادت‌های بد را به ما دهد؛ نیروی عادت‌شکنی و رهایی از اسارت اعتیاد. همه ما معتادیم. مواد مخدر در برابر اعتیادهای اخلاقی ما کوچک‌تر و کم‌خطرتر است! ما معتادیم و نیروی شکستن این اعتیادها و خلاص شدن از آنها را نداریم. چقدر اسیر اعتیادهای رفتاری خود هستیم! وحشتناک‌تر از همه، اعتیادهای فکری ماست! عادت به یک نوع اندیشیدن و در یک چارچوب خاص و با یک مکانیزم خاص تجزیه و تحلیل کردن، چنان روح و فکر ما را در زندان محبوس کرده است که اگر دیواره‌ی این زندان بشکند خدا می‌داند چه حقایق عظیمی در عالم قابل ادراک است! ماه رمضان تمرین عادت‌شکنی بود؛ عادت کرده‌ای این ساعت بخوابی و آن ساعت بیدار شوی؛ این ساعت صبحانه بخوری و آن ساعت ناهار و شام؛ عادتت را بشکن! قرار بود با نیروی عادت‌شکنی، با عادات منفی خود در رفتارها و خلقیات و روحیات و اندیشه و افکار مبارزه و مقابله کنیم. آیا به این دگرگونی رسیدیم؟!

ماه مبارک رمضان می‌خواست دیدی دوربرد به ما دهد تا وقتی تصمیم می‌گیریم و انتخاب و اقدام می‌کنیم دورترین پیامدهای تصمیم و انتخاب و اقدام خود را ببینیم. گاهی ما برای کشور بودجه‌بندی

می‌کنیم و پیامدهای این تصمیم را در یک سال می‌بینیم؛ گاه برنامه‌ی پنج ساله می‌ریزیم و پیامدهای این تصمیم را طی پنج سال می‌بینیم؛ گاه در سطوح عالی نظام چشم‌انداز بیست‌ساله طراحی می‌کنیم و پیامد این تصمیم را ظرف بیست‌سال آینده می‌بینیم؛ اما قرآن و اسلام و ماه رمضان به ما گفتند: یک دید دوربرد پیدا کن و تا قیامت را ببین و آنگاه تصمیم بگیر. لحظه‌ای نگاه نکن! رسول اکرم در خطبه‌ی شعبانیه فرمودند: **وَ اذْكُرُوا بِجُوعِكُمْ وَ عَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ عَطَشَهُ**^{۱۸}: در گرسنگی و تشنگی ماه رمضان یاد گرسنگی و تشنگی روز قیامت بیفتید. آیا در زندگی این‌گونه شدیم؟! ماه رمضان قرار بود ما را به لقاء الهی برساند، روزه دار از رهگذر روزه به دو چیز می‌رسد؛ یکی افطار که شادمانی موفقیت سلوک است و یکی لقاء ربّ که شادمانی دستیابی به میوه‌ی سلوک است! آیا رسیدیم؟

«نمی‌توانم» میوه‌ی تمام عبادات و مجاهدات

سالک روزه‌دار بعد از همه‌ی ارزیابی‌ها، درمی‌یابد خیلی باخته و خراب کرده است. اینجاست که باید با شهادت و صداقت به پیشگاه الهی رود و اعتراف و عذرخواهی کند و بگوید من نتوانستم! خدایا تو خود کاری کن. در بحث‌های سیر و سلوک گفته‌ایم که میوه‌ی تمام طاعات و عبادات و مجاهدت‌ها رسیدن به «نمی‌توانم» و اقرار به عجز است. اقرار به: **ما عَبْدَنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَ ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ**^{۱۹}: خدایا تو را آن‌گونه که حقّ عبادتت بود، نپرستیدیم و آن‌گونه که حقّ معرفتت بود، نشناختیم. در پیشگاه خداوند سر به خاک عجز گزاریم و بگوییم خدایا تباه کردیم؛ مقصّریم. خدایا به هیچ‌یک از اهداف بلندی که برای روزه گذاشته بودی نرسیدیم. این کار از ما برنمی‌آید، خودت کاری کن. **اللَّهُمَّ اذِّعْنَا حَقَّ ما مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.**

^{۱۸}. حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۱۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶.

^{۱۹}. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۲؛ کوفی اهوازی، زهد، ص ۷۴.

البته عجز به این معنا نیست که دست از تلاش بکشیم، بلکه عزممان را جزم کنیم و تلاشمان را در روزهای باقی مانده مضاعف کنیم. از خدا بخواهیم اگر آن تمامیت روزه که روزهی بدن و نفس و قلب است و آن روزهی اعلی که روزهی عاشقان و محبان است و آن ثمره‌ی بزرگ روزه که سیاحت در فضای ملکوت هستی و دستیابی به شادمانی لقاء خداست تا امروز نصیب ما نشده، اگر روزهی ما روزهی تمام‌عیاری نبوده، در این روزهای باقی مانده تمام و کمال نصیب ما شود.

از خدا بخواهیم به برکت خون شهید رمضان، امیرالمؤمنین، و با برخورداری از برکات ماه رمضان توفیق دهد در اندک فرصت باقی مانده آنچه را از دست رفته جبران و تدارک کنیم.

اسیر دنیا هم‌اکنون در دوزخ است.

در دعاهای این ماه تعابیر عجیبی وجود دارد. در دعای جوشن کبیر صد بار گفتیم: **الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب!**^{۲۰} به فریاد رس! به فریاد رس و ما را از آتش خلاص کن! یعنی هم‌اکنون در آتشیم؛ آتشی که در مراتب مختلف وجود ماست. صحبت از فردای قیامت نیست؛ همین امروز در آتشیم؛ خدایا ما را از همه‌ی آتشی‌هایی که تمام مراتب وجودی ما را شعله‌ور کرده بیرون آور. در دعایی دیگر می‌گوییم: **مَنْ عَلَيَّ بِفَكَائِكَ رَبِّي مِنَ النَّارِ!**^{۲۱} خدایا در این ماه عظیم بر من منت گذار و گردنم را از بند دوزخ رها کن. از همه‌ی این عبارات چنین استنتاج می‌شود که دنیا متن دوزخ است و کسی که اسیر دنیاست، هم‌اکنون در دوزخ است. قرآن می‌فرماید: **إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ**^{۲۲}: جهنم هم/ینک کافران را احاطه کرده است. اما کافر کیست؟ فرمود: **لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ**^{۲۳}: اگر سپاس‌گزارید بر شما می‌افزایم و اگر کفران‌پیشگی کنید همانا عذاب من بسیار سخت است. کافر کسی است که قدر نعمت‌های الهی را نمی‌شناسد و حق آنها را به‌جا نمی‌آورد. نعمت‌ها را در مسیر

^{۲۰}. کفعمی، مصباح، ص ۲۴۷؛ محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، دعای جوشن کبیر.

^{۲۱}. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۸۰؛ محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال مشترکه‌ی ماه رمضان.

^{۲۲}. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۴۹؛ سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۵۴.

^{۲۳}. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۷.

رضایت منعم به کار نمی‌گیرد. **مَنْ عَلِيَ بِفَكَارِكَ رَبَّتِي مِنَ النَّارِ**، یعنی خدایا مرا از دوزخ جهل، نفس، غفلت و معصیت نجات ده.

عبد سالک با همه‌ی کاستی‌هایش، در ماه رمضان هرگز مأیوس نمی‌شود. **قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ**؛ ای بشارت‌دهنده‌ی رحمت الهی، بگو ای بندگان من که بر خویشتن ستم کردید، از رحمت الهی مأیوس نشوید؛ خدا بی‌تردید تمام گناهان را می‌بخشد؛ حقا که او بسیار بخشنده و مهربان و دارای رحمت رحیمیّه است. **أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ** یعنی تا آنجا که توانستید تبه‌کاری کردید، گویا خدا در تک‌تک این الفاظ و کلمه به کلمه با بنده‌اش سخن می‌گوید؛ می‌گوید: مأیوس نباش، درست است که بر نفس اسراف کردی و فرصت‌های طلایی ماه رمضان را از دست دادی، اما مأیوس نباش؛ خدا می‌بخشد. می‌پرسیم: خدایا چه کار کنیم؟ می‌فرماید: **وَ آيِبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ**؛ به‌سوی پروردگارتان برگردید و تسلیم خدا باشید؛ سلم و صلح و صفا را بین خود و خدا برقرار کنید، پیش از آنکه فرصت‌ها از دست برود و عذاب شما را دربرگیرد و هیچ‌کس شما را یاری نکند، با خدا آشتی کنید. می‌گوییم: خدایا چگونه برگردیم؟ می‌فرماید: **وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ**؛ این‌گونه برگردید: از بهترین چیزهایی که از جانب پروردگارتان بر شما نازل شد، پیروی کنید. فرمان خدا را ببرید، قبل از اینکه یک‌باره و بی‌آنکه خود متوجه شوید، عذاب به‌سوی شما بیاید. **أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَ إِن كُنْتُ لَمِنَ السَّآخِرِينَ**؛ طوری نشود که فرد بگوید و احسرتا بر من که فرصت‌هایم را نابود کردم؛ از آن فرصت‌هایی که در جوار الهی داشتم استفاده نکردم. حسرت بر من که تفریط کردم و شاید کسانی را که سخنان الهی می‌گفتند، مسخره کردم.

مخاطب این کلام الهی با خود می‌اندیشد: خدایا! خودت مرا هدایت کن و دستم را بگیر. قبول دارم بد کردم و بیراهه رفتم؛ اشتباه کردم و هر لحظه فرصت از دست می‌رود. می‌خواهم از بهترین چیزهایی

که نازل کردی پیروی کنم؛ پس به من بیاموز. خداوند بی‌درنگ پاسخ می‌دهد: **أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ**: چنان نشود که بگویند اگر خدا مرا هدایت می‌کرد، متقی می‌شدم. یعنی نگو خدایا راه را نشان بده و بیاموز. من راه را هم از درون و هم از بیرون به تو نشان دادم. نگو اگر خدا مرا هدایت می‌کرد متقی می‌شدم و از رهگذر ماه رمضان به تقوا می‌رسیدم. **أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ**؛ طوری نشود که وقتی عذاب آشکار شد و پرده‌ها کنار رفت و شعله‌هایی که در وجود خود افروختی نمودار شود، آن‌زمان بگویی اگر خدا بار دیگری به من فرصت می‌داد و به دنیا برمی‌گشتم، از نیکوکاران و خوبان می‌شدم. **بَلَى قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَ كُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ**^{۲۴}؛ آیات و نشانه‌های من به‌سوی تو آمد و راه را به تو نشان دادم و هدایتت کردم؛ اما آنها را دروغ پنداشتی و طوری رفتار کردی که گویا منکر قیامت و فرامین الهی هستی، گویا منکر خدایی، گرچه شاید به زبان شهادت می‌دادی و می‌گفتی **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**، ولی زندگی تو کجا این شهادت را می‌داد؟ آیا در زندگی تو غیرخدا حاکم نبود؟ واقعاً در قلب تو جز محبت خدا نبود و هیچ معبودی جز خدا نداشتی؟ دلت برای غیرخدا نمی‌رفت؟ یا اینکه رفتارت آنچه را به زبان جاری می‌کردی تکذیب می‌کرد. به زبان می‌گفتی **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** اما در دلت، رفتارت و روحیات هزار بت را سجده می‌کردی. به زبان می‌گفتی پیغمبر خدا رسول الله است اما در عمل فرمان او را نمی‌بردی و راه دیگری می‌رفتی؛ در زندگی رهبر دیگری داشتی. **فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ**: در عمل آنها را تکذیب کردی و استکبار ورزیدی. منیت‌ها و خودبینی‌ها تو را گرفت؛ حاضر نشدی دست از منیت‌هایت برداری و عبد و تسلیم شوی، **وَ كُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ**؛ و این‌گونه از کافران شدی.

خدای متعال در شروع این آیات یأس را سلب کرد و به بندگان خطاکار خود امید داد: **لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ**؛ سپس فرمود اکنون که امید پیدا کردید، درست راه بروید. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ی عید فطر فرمودند: کمترین چیزی که به روزه‌دار داده می‌شود، این است که به او بگویند گناهان گذشته‌ات

^{۲۴}. سوره‌ی زمر، آیات ۵۳-۵۹.

را بخشیده‌اند؛ مراقب آینده باش. از آن پس باید برای جلب خشنودی خداوند حرکت کند و آینده‌ی زندگی خود را با گام نهادن در راه حق بسازد. اما در وهله‌ی اول بدانند هنوز دیر نشده است. خدای متعال در دهه‌ی آخر ماه رمضان، هر شب به اندازه‌ی مجموع دو دهه‌ی گذشته می‌بخشد؛ از رحمت خدا مأیوس نشویم: **وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ**^{۲۵}. گرچه از خودش و اعمال خودش مأیوس است؛ اما به فضل بی‌نهایت و بیکران الهی امید دارد؛ لذا مأیوس نیست. امیدوار است که خدای متعال همین اعمال ناقص او را به کرم و فضل و عنایت خود پذیرا شود و با بزرگواریش او را ببخشد و تطهیر کند. خدا می‌تواند در همین شب‌ها کار ما را بسازد؛ اگر شب‌های قدر هم نتوانستیم کاری کنیم و هنری نداشتیم، شب بیست‌وهفتم و شب عید فطر را غنیمت بدانیم؛ لحظه لحظه‌های این روزها و شب‌های باقی‌مانده را مغتنم بداریم تا به برکت شهید این ماه، امیرالمؤمنین و به برکت مولود قلب این ماه، امام مجتبی رحمت و مغفرت و برکت خداوند همه‌ی وجود ما را احاطه کند و دربرگیرد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^{۲۵}. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۸۷.